

گزارش

از توهم بسته شدن پرونده زنگرور تا پیل ۹۹ساله ترامپ

آیا ایران در قفاز زمین خورده؟

منطقه‌ای که ارمنی‌ها آن را «سیونیک» و آذری‌ها «زنگرور» می‌نامند، نقطه‌ای استراتژیک و محل مناقشه‌ای دیرپایین جمهوری آذربایجان و ارمنستان است. برای ایران، زنگرور تنها مرز قابل توجه و زمینی با ارمنستان به شمار می‌آید؛ مرزی که به‌طور طبیعی، جمهوری آذربایجان را از جمهوری خودمختار نخجوان جدا و گذر از نخجوان به سرزمین اصلی آذربایجان را عملاً وابسته به عبور از خاک ایران می‌کند. این منطقه دسترسی ترکیه به آذربایجان را هم محدود می‌کند و این کشور را به‌عنوان عضو ناتو، برای اتصال به متحد استراتژیک خود، ناگزیر از گذر از خاک کشورهای همسایه کرده‌است. یک تحول تاریخی در منطقه رخ داده که باید آن را در ادامه شکست‌های دیپلماتیک ارزیابی کرد؛ دالان زنگرور، این بار با نام «پیل ترامپ» به واقعیت نزدیک شده‌است؛ اما نه با نقش آفرینی یک کشور دوست و همسایه مثل روسیه، بلکه با مدیریت یک دشمن دیرینه یعنی آمریکا.

اهمیت زنگرور

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران به‌منظور دست‌یابی به راه‌های ارتباطی و ترانزیتی زمینی به سمت اروپا از دو مدخل می‌تواند استفاده کند. یکی از سمت مرز بازرگان و ترکیه به سمت کشورهای اروپایی و غرب و مسیر دیگر از سمت مرز ارمنستان-گرجستان-روسیه و کشورهای اروپایی، با ایجاد این کریدور، هر دو مسیر ارتباط زمینی ایران به اروپا عملاً در اختیار دو کشور ترک‌زبان (آذربایجان و ترکیه) قرار می‌گیرد. از سوی دیگر ایجاد کریدور زنگرور در واقع تحقق بخشی از رویای ترکیه است که از سال ۲۰۰۹ سازمان کشورهای ترک‌زبان را بنیان گذاشته و در پی ایجاد «ترکستان بزرگ» است؛ دسترسی مستقیم به دریای خزر و بازارهای آسیای مرکزی که به ترکیه امکان نفوذ بیشتر در این منطقه ژئوپلیتیکی مهم را می‌دهد. رویایی که تحقق آن، سیاست‌های ایران در منطقه‌ای مرکزی را تحت‌الشعاع تصمیمات آنکارا قرار خواهد داد. همین دلایل کافی است که ایران علناً و در خفا با ایجاد دالان زنگرور مخالف باشد؛ رهبری در تاریخ ۲۸ تیر ۱۴۰۱ در دیدار آقای رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، گفته بود: «اگر سیاستی مبنی بر مسدودکردن مرز ایران و ارمنستان وجود داشته باشد، جمهوری اسلامی با آن مخالفت خواهد کرد؛ چراکه این مرز، یک راه ارتباطی چند هزار ساله است.» این مواضع در دیدار آقای ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه هم تکرار شد. این حساسیت‌ها در مرداد ۱۴۰۳، در دیدار نخست‌وزیر ارمنستان هم تکرار شد؛ جایی که رهبری بر ضررآور بودن مسیر زنگرور برای ارمنستان تأکید کردند و از موضع خود در قبال این موضوع کوتاه نیامدند.

توافق مسکو

جنگ دوم قره باغ با الحاق هفت شهر متعلق به جمهوری آذربایجان به این کشور و آزادی آنها از اشغال ارمنستان، یک بند در توافق مسکو گنجانده شد. در توافق آتش‌بس اشاره مستقیمی به دالان زنگرور نشده، اما بند ۹ موافقتنامه، تلویحا به این مسیر اشاره دارد؛ در این بند گفته شده «جمهوری ارمنستان موظف است امنیت راه‌های حمل‌ونقلی بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان را تضمین کند و مسئولیت نظارت بر این ارتباطات بر عهده سرویس مرزبانی سازمان امنیت فدرال روسیه است.» به گفته رسانه‌های آذربایجانی، جمهوری آذربایجان، با این بند موافق نبوده؛ الهام علی‌اف رئیس‌جمهوری آذربایجان، در آذر ۱۴۰۰ تلویحا آستان سیونیک ارمنستان را بخشی از خاک جمهوری آذربایجان خواند. با وجود این ادعاها، آذربایجان به‌صورت حقوقی همواره بر دو نکته تأکید داشته: نخست، ایجاد اصلاحات قانون اساسی در ارمنستان برای حذف ادعا‌های سرزمینی علیه آذربایجان و دیگری ایجاد یک مسیر زمینی بدون مانع برای جمهوری خودمختار نخجوان که به دالان زنگرور مشهور است. موضوع دالان زنگرور، ایجاد یک مسیر ترانزیتی آزاد برای آذربایجان از جنوب ارمنستان، حتی تحت حاکمیت این کشور، اما با تضمین‌های بین المللی است.

چه اتفاقی افتاده؟

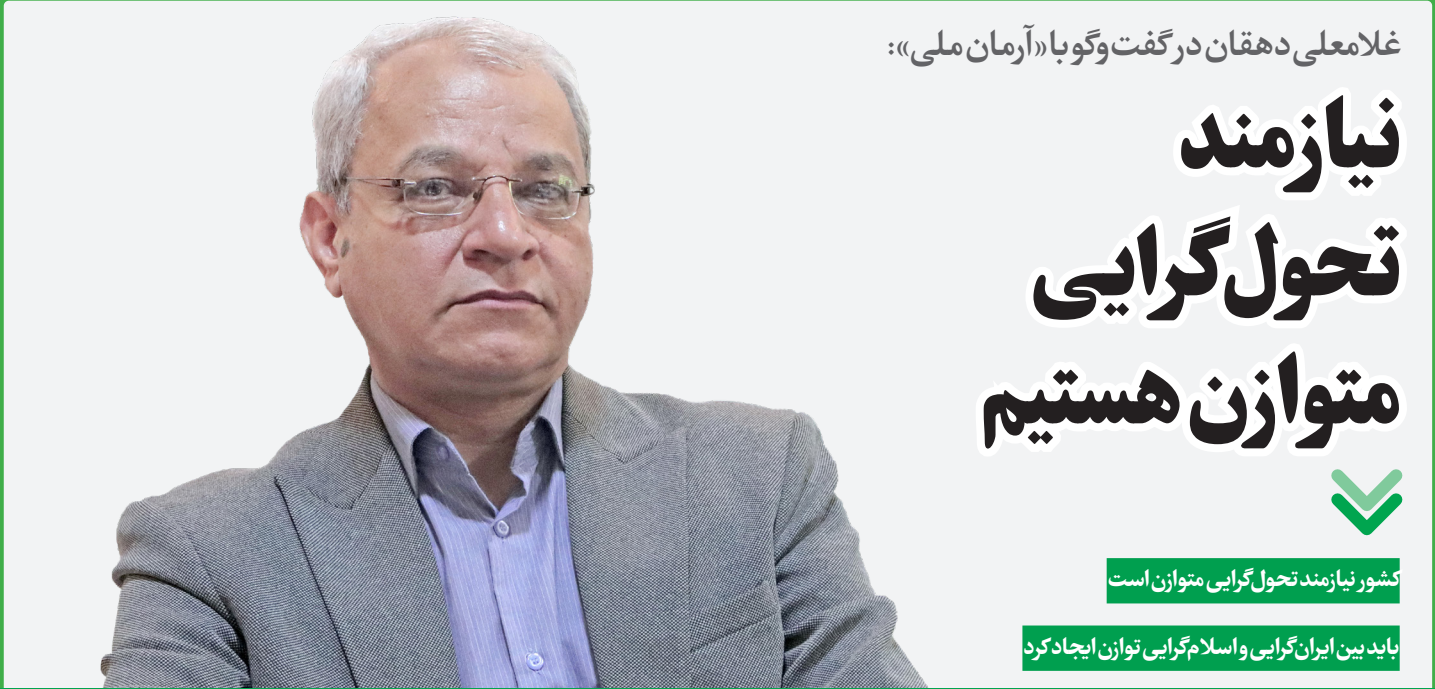
توافق صلح تازه‌ای در کاخ سفید میان دونالد ترامپ، الهام علی‌اف و نیکول پاشینیان به امضا رسیده که به گفته ترامپ، ۲۵ سال دیگری را خاتمه داده‌است. مهم‌ترین بند این توافق برای ایران، مسیر ترامپ برای صلح و رفاه بین‌المللی است؛ بر اساس آن، مدیریت بخشی از کریدور زنگرور که از ارمنستان عبور می‌کند، به مدت ۹۹ سال به یک شرکت آمریکایی واگذار شده‌است. جزئیات توافق هنوز مشخص نیست، اما این توافق عملاً خواسته‌های آذربایجان را برآورده کرده و حاکمیت ارمنستان را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، ارمنستان نیز به نظر می‌رسد این توافق را پذیرفته و در ازای آن خواستار استفاده از همین مسیر به سمت دریای خزر شده‌است. این توافق نشان داد که ایران در درک ابعاد این پرونده دچار اشتباه بوده‌است. در اردیبهشت ۱۴۰۳، سفیر ایران در ارمنستان با شکست‌های «بسیسته شدن پرونده دالان زنگرور» سخن گفته بود؛ سقاییان در گفت‌وگویی با مجله دیپلماسی ایرانی گفته بود «با ابتکاری که ایران از خودش نشان داده و طرف آذربایجانی هم پذیرفته، پرونده زنگرور برای همیشه بسته شد.» حالا بدون توجه به جمع‌بندی‌های غلط، این کریدور با اعلام ترامپ رسمی شده و همه نگرانی‌های تهران را واقعی کرده‌است. وزارت خارجه ایران هم دقیقاًی سرش را از برف بیرون آورده و با صدور بیانیه‌ای همچنان بر حفظ تمامیت ارضی کشورهای منطقه تأکید و اعلام‌آمدگی برای همکاری با ارمنستان و آذربایجان را بیان کرده‌است. این بازی یک برنده خوشحال و دو بازنده ناراحت دارد؛ ترکیه برنده این توافق است. بازنده‌تر از ایران اما، روسیه است. موفقیت آمریکا در ایجاد این کریدور به منزله کاهش نفوذ روسیه و تزلزل جایگاه تاریخی آن در منطقه است.

غلامعلی دهقان در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

نیازمند تحول‌گرایی متوازن هستیم

کشور نیازمند تحول‌گرایی متوازن است

باید بین ایران‌گرایی و اسلام‌گرایی توازن ایجاد کرد



است. از سوی دیگر انتصاب علی لاریجانی را برخی به معنای آغاز تحولات ساختاری تعبیر کرده‌اند و اینکه نظام با انتخاب وی در این برهه حساس تلاش کرده چهره عقلانی‌تری به خود بگیرد. «آرمان ملی» برای تحلیل و بررسی این موضوعات با غلامعلی دهقان استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی گفت‌وگو کرده که در ادامه می‌خوانید.

آرمان ملی – احسان انصاری: در ببحوحه جنگ ایران و اسرائیل تلاش زیادی شد که بین ایران‌گرایی و اسلام‌گرایی در کشور پیوند جدیدی شکل بگیرد که در نهایت نیز این اتفاق تا حدودی رخ داده‌است. با این وجود هنوز در این زمینه شاهد گفتمان قدرتمندی نیستیم. به همین دلیل نیز رابطه تاریخی ایران‌گرایی و اسلام‌گرایی و سیر تحولات آنها در طول تاریخ از بسیاری جهت‌ها حائز اهمیت

«اغلب نخبگان جامعه نسبت به ضرورت تحول در تصمیم‌گیری‌ها و ساختار پس از دوران جنگ ۱۲ روزه اجماع دارند. به نظر شما این تحولات باید در چه زمینه‌هایی صورت بگیرد؟

من معتقدم در این زمینه توازن لازم است. پس از حمله اعراب مسلمان به ایران، ایرانیان به تدریج با دین مهاجمان کنار آمده و با گزینش اسلام و نفی برتری نژادی عرب بر میراث گذشتگان اصرار و با حفظ مراسمات ملی خود مثل آیین برگزاری عید نوروز و شب یلدا و پاسداشت زبان فارسی مسلمان ایرانی شدند. این در حالی بود که در برخی مناطق دیگر غرب آسیا و شمال آفریقا مثل مصر زبان عربی جایگزین زبان بومی شد. ایرانیان به تدریج با اسلام به جنگ حاکمان اموی و عباسی رفتند و موفقیت‌های زیادی هم داشتند. هرچند حرکت‌های ملی‌گرایانه با تکیه بر ایران باستان هم بود که به شکست انجامید. اما پس از مدتی چالش دیگری برای ایرانیان به وقوع پیوست. این بار این ترکان غزنوی و سلجوقی بودند که در ایران ترک‌نمایی می‌کردند. ایرانیان این بارو عاقبت در رقابت با ترکان عثمانی از زمان صفویه تشیع ۱۲امی را به عنوان هویت و دژ مقاومت خود در برابر دیگران انتخاب نمودند. تشیع قبل از صفویه توانسته بود در بخش‌های قابل توجهی از شرق و شمال ایران حمایت بی‌شماری از توده‌های مردم را به خود جلب کند و حتی در این مناطق حکومت‌های شیعی مستقل شکل دهد که مهم‌ترین آن سرداران در خراسان بزرگ بود. از دوره صفویه انکار نوعی اسلام ایرانی به صحنه آمده‌است که مختصات خود دارد. این اسلام ضمن پایبندی به کلیت اسلام اما با اسلام خلافت عربی و عثمانی تفاوت دارد. اما هر چه است هویت جدید ایرانیان است. علاوه بر مراسمات ملی مناسکات آیینی هم از جایگاه بالایی برخوردار است. مثل برگزاری مفصل آیین‌های مربوط به حادثه کربلا. وضعیت فرهنگی دوره صفویه تا مدت‌ها در ایران پابرجا بود اما با ورود مظاهر مدرنیته و به خصوص به قدرت رسیدن حکومت متجددمآب پهلوی و رویکرد جدید این سلسله به ایران باستان کفه ترازو به سمت دوره ایران باستان سنگینی کرد. پهلوی دوم هم این روند را ادامه داد، اما واقعیت این بود که در کف کوچه و بازار روایت دیگری بود. اکثریت مردم باور فرهنگی دولتمردان را باور نداشتند.

ما هم در دوره ایران باستانی فرازهای باشکوهی داریم و هم در دوره اسلامی و هر دورا باید پاسداشت. ایران فردا از جهت فرهنگی، ایران متوازن فرهنگی در نسبت با ایران باستان و ایران دوره اسلامی است

پس از انقلاب این وضعیت چه تغییری کرد؟

با وقوع انقلاب ۵۷هـ که بانکي بر باور فرهنگی پهلوی هابود کفه‌توجه به تاریخ‌دوره اسلامی بر کفه‌تاریخ باستان سنگینی کرد. انگار تاریخ ما از ۱۴۰۰ساله معتمد شروع شد. پهلوی دوره اسلامی را نادیده انگاشت و ما هم به شدت تاریخ ایران باستان را و به این ترتیب برای نزدیک به یک قرن از به قدرت رسیدن رضا شاه در سال ۱۳۰۴ تاالان ۱۴۰۴ توازن بین تاریخ دوره باستان و دوره اسلامی تا حدودی به هم خورده‌است. باید باز دیگر توازنی برقرار شود. ما هم در دوره ایران باستان فرازهای باشکوهی داریم و هم در دوره تاریخ اسلامی و هر دو را باید پاسداشت. ایران فردا از جهت فرهنگی ایران متوازن فرهنگی در نسبت با ایران باستان و ایران دوره اسلامی است. در این دوره همان قدر شاهپور اول با ساسانی باید مورد توجه باشد که مختار ثقفی. اولی و الیرائوس امپراتور متجاوز روم به تسلیم می‌کشاندو دومی با حمایت ایرانیان ظالمی به اسم ابن زیاد را به زیر می‌کشاند که معتقد برتری عرب بر عجم بود. همه قرائن و شواهد نشان می‌دهد در این مرحله جدید بازم حامیان ایران باستان بدون توجه به ۱۴۰۰ساله تاریخ اسلامی ایران اسلامی و حامیان دوره ۱۴۰۰ساله تاریخ دوره اسلامی بدون توجه به تاریخ ایران باستان شروع به جوسازی و سمپاشی خواهند کرد. برای حفظ موجودیت ایران باید از تمامی کلیت تاریخ ایران اعم از دوره باستان و دوره اسلامی حمایت و از فرازهای باستان‌گشانه و شخصیت‌های بزرگ هر دوره استقبال نمود.

ما هم در دوره ایران باستانی فرازهای باشکوهی داریم و هم در دوره اسلامی و هر دورا باید پاسداشت. ایران فردا از جهت فرهنگی، ایران متوازن فرهنگی در نسبت با ایران باستان و ایران دوره اسلامی است

پس از انقلاب این وضعیت چه تغییری کرد؟

با وقوع انقلاب ۵۷هـ که بانکي بر باور فرهنگی پهلوی هابود کفه‌توجه به تاریخ‌دوره اسلامی بر کفه‌تاریخ باستان سنگینی کرد. انگار تاریخ ما از ۱۴۰۰ساله معتمد شروع شد. پهلوی دوره اسلامی را نادیده انگاشت و ما هم به شدت تاریخ ایران باستان را و به این ترتیب برای نزدیک به یک قرن از به قدرت رسیدن رضا شاه در سال ۱۳۰۴ تاالان ۱۴۰۴ توازن بین تاریخ دوره باستان و دوره اسلامی تا حدودی به هم خورده‌است. باید باز دیگر توازنی برقرار شود. ما هم در دوره ایران باستان فرازهای باشکوهی داریم و هم در دوره تاریخ اسلامی و هر دو را باید پاسداشت. ایران فردا از جهت فرهنگی ایران متوازن فرهنگی در نسبت با ایران باستان و ایران دوره اسلامی است. در این دوره همان قدر شاهپور اول با ساسانی باید مورد توجه باشد که مختار ثقفی. اولی و الیرائوس امپراتور متجاوز روم به تسلیم می‌کشاندو دومی با حمایت ایرانیان ظالمی به اسم ابن زیاد را به زیر می‌کشاند که معتقد برتری عرب بر عجم بود. همه قرائن و شواهد نشان می‌دهد در این مرحله جدید بازم حامیان ایران باستان بدون توجه به ۱۴۰۰ساله تاریخ اسلامی ایران اسلامی و حامیان دوره ۱۴۰۰ساله تاریخ دوره اسلامی بدون توجه به تاریخ ایران باستان شروع به جوسازی و سمپاشی خواهند کرد. برای حفظ موجودیت ایران باید از تمامی کلیت تاریخ ایران اعم از دوره باستان و دوره اسلامی حمایت و از فرازهای باستان‌گشانه و شخصیت‌های بزرگ هر دوره استقبال نمود.

با توجه به اینکه ایران به تدریج و پس از حمله اولیه اسرائیل خود را پیدا کرد و کم‌کم دست بالا را پیدا کرد و

بوند اما می‌توان حدس زد در صورت ادامه جنگ از سوی مابعد جنگ گسترده‌تر و شاید منجر به دخالت گسترده آمریکا و دیگر متحدین غربی اسرائیل مثل اروپا هم می‌شد اما باید تدبیر و درایت مقامات عالی سیاسی و نظامی کشور و شاید عبرت آموزی از جنگ اول تحمیلی قضیه‌کشدار و فرسایشی نشد.

حضور مجدد علی لاریجانی در شرایط کنونی در شورای عالی امنیت ملی و تشکیل شورای دفاع را به معنای تصمیم حاکمیت برای تغییر قلمداد می‌کنید؟ این انتصاب در شرایط کنونی چه معنایی دارد؟

بازگشت علی لاریجانی به صحنه سیاسی کشور و آن هم در کسوت دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور خبر مسرت بخشی است. وی از سیاستیون مجرب و با تجربه فراوان در نظام جمهوری اسلامی است. لاریجانی متاخر یعنی از سال ۱۳۸۲ بعد از مدیریت صدا و سیما بیش از گذشته به صفت اعتدال و عقلانیت شهره شد و توانست در جایگاهی قرار بگیرد که هم اصولگرایان معتدل و هم اصلاح‌طلبان وفادار سازمان ملل این بود که اول باید بند سوم قطعنامه مربوط به تشکیل هیات تعیین متجاوز اولویت باشد نه بند اول مربوط به آتش‌بس. در هر حال پس از فرایندی که در نیمه اول سال ۱۳۴۷ در جبهه‌ها اتفاق افتاد و از تصرف شهر فاو در دهانه اروندرود توسط قوای عراقی شروع و به عقب نشینی ایران از جزایر مجنون و دیگر نقاط متصرفه در خاک عراق منجر شد ایران هم قطعنامه ۵۹۸ را مثل عراق قبول کرد. اما پذیرش آن برای برخی از حامیان انقلاب و نظام و به خصوص بعضی رزمندگان سخت بود، اما فرمان پذیرش را رهبر فقید و بنیانگذار جمهوری اسلامی صادر کرده بود و مخالفین هم حتی برای رد آن نداشتند. تصمیمی شجاعانه و حکیمانه و از سر زرف اندیشی که نتایج آن بسیار برای انقلاب و نظام مثمر ثمر بود. اول اینکه با توجه به فریه شدن ارتش عراق طی جنگ به خاطر مساعدت قدرت‌های جهانی صدام رهبر وقت عراق مغرور و به خاطر روحیه جاه‌طلبی که داشت تصمیم گرفت نبرد با ایران را پس از مدتی به سمت کویت متحد مالی خود در جنگ ایران و عراق ببرد. عراق از همان تشکیل کویت نسبت به کویت ادعای مالکیت داشت و آن استان چهاردهم خود می‌دانست. انرژی متراکم ارتش عراق به خاطر کمک‌های قدرت‌های بزرگ طی جنگ ۸ ساله و تصمیم خردمندانه دولت وقت ایران به مدیریت هاشمی رفسنجانی که سبب آزادی اسرای ایرانی و عراقی گردید و اعلام سیاست بی‌طرفی در دعوای عراق و کویت از سوی کلیت نظام سبب شد تا عراق با خیال راحت از مرزهای شرقی خود به متحد جنگی خود حمله نماید و ظرف چند ساعت کشور کویت در مرداد ۱۳۶۹ به تصرف قوای عراقی درآید. اشغال کویت البته چند ماهی بیشتر طول نکشید و ارتش عراق پس از ضربات سنگین آمریکا و متحدین از کویت اما اسرائیل توانست با پروپاگاندا ی فراوان که آقای گروسی هم در آن نقش داشت به گونه‌ای وانمود ساخت که ایران به دنبال بمب اتم است. در شرایط فعلی که احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه هم از جانب اروپایی‌ها وجود دارد لازم بود بیامی از سوی ایران مخایره شود که ایران همچنان به پنجره دیپلماسی می‌کند که رابطه با قضیه هسته‌ای خود امیدوار است و به هیچ وجه ترجیحی غیر از دیپلماسی ندارد. البته اگر دیگران حرمت ما را نگه ندارند آنگاه ما برای تمام سناریوها آماده هستیم. همان‌طور که جواب حمله اسراییل به خوبی داده شد اما جنگ حربه آخر ما است نه گزینه اول ایران. برای همین حضور علی لاریجانی می‌تواند باعث تغییر رویکرد اروپایی‌ها شود البته اگر عقلانیت آنها تحت‌تاثیر جورسانه‌ای اسرائیل و تبلیغات سلطنت طلبان ایرانی قرار نگیرد. به نظرم حضور لاریجانی روحی دو باره در کالبد خشک شده دیپلماسی است.

بازگشت علی لاریجانی به صحنه سیاسی کشور و آن هم در کسوت دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور خبر مسرت بخشی است. وی از سیاستیون مجرب و با تجربه فراوان در نظام جمهوری اسلامی است

آیا حضور لاریجانی به معنای آغاز تحولات ساختاری است؟

سیاست جمهوری اسلامی در قضیه هسته‌ای استفاده از ظرفیت غنی سازی برای مقاصد مسالمت‌آمیز بوده‌است. اما اسرائیل توانست با پروپاگاندا ی فراوان که آقای گروسی هم در آن نقش داشت به گونه‌ای وانمود ساخت که ایران به دنبال بمب اتم است. در شرایط فعلی که احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه هم از جانب اروپایی‌ها وجود دارد لازم بود بیامی از سوی ایران مخایره شود که ایران همچنان به پنجره دیپلماسی می‌کند که رابطه با قضیه هسته‌ای خود امیدوار است و به هیچ وجه ترجیحی غیر از دیپلماسی ندارد. البته اگر دیگران حرمت ما را نگه ندارند آنگاه ما برای تمام سناریوها آماده هستیم. همان‌طور که جواب حمله اسراییل به خوبی داده شد اما جنگ حربه آخر ما است نه گزینه اول ایران. برای همین حضور علی لاریجانی می‌تواند باعث تغییر رویکرد اروپایی‌ها شود البته اگر عقلانیت آنها تحت‌تاثیر جورسانه‌ای اسرائیل و تبلیغات سلطنت طلبان ایرانی قرار نگیرد. به نظرم حضور لاریجانی روحی دو باره در کالبد خشک شده دیپلماسی است.

در چنین شرایطی آیا زمان آن نرسیده سکان صداوسیما به عنوان یکی از ارکان مهم نظام با ظرفیت بالای اجماع آفرینی از انحصار یک گروه خاص و اقلیت خارج شود؟ آیا این موضوع می‌تواند به حکمرانی در زمینه تحول آفرینی کمک کند؟

قطعا صداوسیما در وضعیت ایده‌آل نیست. هرچند در جریان حمله اسرائیل تلاش کرد گفتمانی فراچاهی و ملی از خود نشان دهد و از جهت تشویق روحیه ملی کارهای خوبی هم انجام داد، اما به نظر می‌رسد صداوسیما همین انبساط سیاسی را باید در شرایط معمولی و متعارف هم پیگیری کند، چراکه این ظرفیت را دارد تا با حضور همه گرایش‌های فکری سیاسی فرهنگی پاسخگوی بسیاری از مطالبات مردمی باشد.

یادداشت

پایان بحران زنگرور



صادق ملکی

تحلیلگر مسائل بین‌الملل

داستان زنگرور رو به پایان است، اما اگر ماتغییر در راهبردها و نگاه خویش ایجاد نکنیم، می‌تواند سرآغاز تلخی‌هایی باشد که در کنار صدمه جدی وارده به مزیت ژئوپلیتیکی ایران، در آینده کیان ایران را نیز با خطرات بنیادین مواجه کند. با حضور روسای جمهوری آذربایجان و ارمنستان در کاخ سفید و با توافقی که با وساطت ترامپ انجام شد، کریدور زنگرور تحت عنوان گذرگاه و مسیر ترامپ نه تنها می‌تواند به مناقشات این گذرگاه استراتژیک پایان بدهد، بلکه به‌نظر می‌رسد دوره‌ای جدید با این تحول ژئوپلیتیکی در منطقه آغاز شود. در حالی که ایران هنوز در شوک صدمات جدی در مرزهای دور و جنگ ۱۲ روزه است، خطرات ادامه دشمنی‌هایی که می‌توانست به دوستی تبدیل شود، امروز به مرزهای آن کشیده شده‌است. نگاهی به تحولات پیرامونی نشان می‌دهد که دایره محاصره ایران در حالی کامل می‌شود که ما نه درک صحیحی از چرایی و نه درکی از چگونگی جلوگیری از این تحولات نداشته نداریم. در سیاست در ایران همچنان بر پاشنه‌ای می‌چرخد که نتایج و تلخی‌های آن روشن است. کشورها و ساختارهای درونی آن وقتی عمق تحولات را درک نکنند و خود را با واقعیت‌های جدید وفق ندهند، نمی‌توانند ادامه حیات بدهند. ایران از این امر مستثنا نیست. پس از تحولات لبنان، سوریه، عراق و از همه مهمتر جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران، تهران بدون ائتلاف وقت باید به بازسازی و بازتعریفی سیاست‌ها و راهبردهای خود نه فقط برای بقا، بلکه برای بازایی نقش منطقه‌ای با توجه به ظرفیت و واقعیت‌های حاکم می‌پرداخت. با آنکه دیر شده‌است اما هنوز برای تغییر در ایران فرصت وجود دارد و اگر تعلل ناشی از ارزیابی غلط و توهم انجم بشود، مدیریت تغییر را دیگران بر عهده خواهند گرفت. در ارتباط با کریدور زنگرور در سال‌های اخیر ایران بارها با صدای رسا مخالفت خود را با این تغییرات ژئوپلیتیکی اعلام کرده بود. تهران برای به رخ کشیدن اراده خود حتی در مرز شمالی به مانور پرداخته بود، اما شد، آنچه از نظر تهران نمی‌باید می‌شد. در اینکه با اجرایی شدن پروژه زنگرور صدمه جدی به مزیت‌های ژئوپلیتیکی ایران وارد می‌شود تردیدی وجود ندارد، اما در اینکه ایران بتواند در جهت سیاست‌های اعلامی، عملی انجام دهد تردیدی جدی وجود دارد. توافقی که به آن نام مسیر ترامپ گذاشته‌اند، با رضایت ایران و با کوانجام شده و جایی برای اعتراض وجود ندارد. نه مرزی و نه شک برندگان این تغییر ژئوپلیتیکی و روسیه هستند. و در این میان ارمنستان را نیز با توجه به ظرفیت سیاسی، اقتصادی و نظامی این کشور باید در میان برندگان و جاداد. اگر ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی ای تغییر ژئوپلیتیکی درک نشود، بی‌شک آثار و تبعات آن تنها به یک گذرگاه محدود نخواهد ماند. دامنه تاثیراتی که از چین و سین گیانگ آن، روسیه تا داغستان آن، شرق خزر تا درون ایران را می‌تواند هدف و تحت تاثیر قرار دهد. بخش مهمی از جنگ در سوریه ریشه در گذرگاه و هاب انرژی شدن میان ایران و ترکیه داشت که حلقه آخر آن با مسیر ترامپ تکمیل می‌شود و ما به عنوان ایران همچنان ناظر منفعل تحولات بوده‌ایم و در سردرگمی بسر می‌بریم. برای احیای منافع ایران و ایرانیان می‌توان رویکرد و راهبرد‌های جدیدی تدوین کرد و می‌توان از سیاست‌های سلبی، نزاع با نظام جهانی، مسئولیت تغییر جهان، مشغول شدن در فرامرزا، ستیز با دولت‌های مستقر و... دور شد. باید با راهبردهای ایجابی به بازسازی و بازبینی سیاست‌های داخلی و خارجی پرداختیم و با رویکردی تعاملی چهره‌ای جدید از ایران ارائه دهیم و سهم خود را از نظام بین‌الملل بگیریم. اگر سیاست‌ها تغییر کند بسیاری از تهدیدات ایران آن‌که می‌شود به فرصت تغییر داد. نکته کلیدی آنکه با توجه به اصل حفظ توازن قوا در خاورمیانه از منظر آمریکا، تغییرات در راهبردهای ایران می‌تواند عامل تبدیل تهدیدات به فرصت برای ایران از جغرافیایی به وسعت قفقاز تا خلیج فارس و آسیای میانه تا مدیترانه باشد، به شرطی که چرایی و چگونگی تغییرات درک شود.